

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

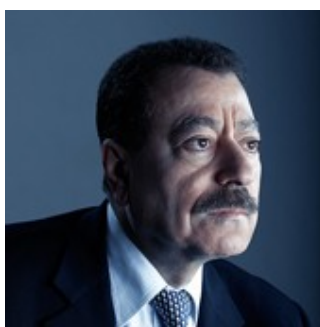
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: عبدالباری عطوان*
برگردان از: حمید بهشتی
۰۹ اپریل ۲۰۱۹



عبد الباري عطوان Abdelbari Atwan

بهار عربی دوم؟



تفاوت های کلیدی بین موج فعلی اعتراضات و قیام های سال ۲۰۱۱

اعتراضات مردمی در جهان عرب طی ماه های اخیر - در الجزایر، سودان، اردن و نوار غزه - به عنوان موج دوم به اصطلاح بهار عربی یا نسخه اصلاح شده آن توصیف شده است. اولین موج در سال ۲۰۱۱ در تونس آغاز شد و سپس به مصر، لیبیا، یمن، سوریه و جاهای دیگر منتقل گشت. در برخی کشورها تغییر رژیم صورت گرفت (در تونس و لیبیا) و در جاهای دیگر (مصر و یمن) تا حدی، اما در سوریه با شکست مواجه گشت. در کشورهای دیگر مانند مراکش، عمان و اردن تأثیرات آن در مراحل اولیه توسط اقدامات اصلاحی و مدیریت دقیق جذب شد.

تظاهرات در الجزایر، سودان، اردن و غزه یکسان نیستند و نمی‌توانند به عنوان یک پدیده واحد مشاهده شوند. هر یک شرایط خاص خود را دارد، و فقط تا حدی با یکدیگر شباهت داشته و به طور قابل توجهی از موج اول هشت سال پیش متفاوت هستند. در مورد این تفاوت‌ها چندین برداشت ممکن است:

- تظاهرات سال ۲۰۱۱ با پخش ۲۴ ساعته تلویزیونی همراه بود. کانال الجزیره به عنوان یک بسیج کننده اصلی عمل کرد و به صدها فعال، تحلیلگر و کارشناس یاری نمود. اما چهار جنبش اعتراضی کنونی به ندرت پوشش یافته‌اند. دلایل زیادی برای این کار وجود دارد، از جمله بی اعتبار شدن تلاش برای «انقلاب» در سوریه، که خشونت آمیز و فرقه‌ئی گشته و مشارکت آژانس‌های اطلاعاتی غربی نیز آشکار شد و تحت نفوذ سلفی‌های سخت گیر قرار گرفته به شکست آن در سرنگونی رژیم منجر گشت.
- جنبش‌های اسلامی در بیشتر قیام‌های سال ۲۰۱۱ بازیگر اصلی بوده، کمک‌های مالی عربستان و قطر و حمایت غرب در آنها نقش برجسته‌ای داشتند. اما این در مورد تظاهرات فعلی مصداق ندارد.
- نخستین موج اعتراضات "شخصیت هائی" را، عمدتاً از اسلامگرایان مطرح ساختند، که در عمل به عنوان سخنگویان و چهره‌های واقعی آنها ظاهر شدند: روحانی مصری یوسف القرضاوی، در عربستان سعودی سلمان العوده، محمد العریفی، عدنان العرعور در سوریه، علی الصلابی، راشد الغنوشی و غیره. اینها و سایرین، ایدئولوژیهای قیام گشتند و توده‌ها را با استفاده از رسانه‌های اجتماعی که میلیونها پیروان را به دست آورده بودند، بسیج کردند.
- اما چنین ارقامی به طور کامل در جریان موج اعتراضات فعلی دیده نمی‌شوند، یا به این دلیل است که توده‌ها از تجارب گذشته آموخته‌اند یا به این دلیل که بسیاری از شرکت کنندگان جوان بوده و بر اساس غیر ایدئولوژیک بسیج شده‌اند. آنها مطمئناً قاطعیت جلوگیری از این که اسلامگرایان در انجام حرکاتشان عامل بوده یا آن را رهبری کنند، نشان داده‌اند.
- در هر چهار مورد، اعتراضات اخیر به طور قطعی صلح آمیز بوده‌اند تا از درگیری با نیروهای امنیتی و یا هر گونه غارت یا خرابکاری اجتناب و از تکرار تجربیات موج اولیه که موجب ایجاد دولت‌های شکست خورده مانند لیبیا و یمن گردد، جلوگیری شود.
- عدم حمایت خارجی، چه غربی و چه عربی
- معترضان جدید، به ویژه در الجزایر و سودان، به طور قطعی چنین حمایت هائی را رد می‌کنند. همچنین قطر و ترکیه، پشتیبانان اصلی گروه‌های اسلام‌گرا که موج اول را رهبری کردند، در حال حاضر با مشکلات خود مواجه هستند: جدال قطر با همسایگانش در خلیج و مصر؛ و ترکیه با پیامدهای کودتای نظامی خود، مشکلات اقتصادی و هجوم گسترده پناهندگان از سوریه.
- تضعیف مدل اسلامگرایی ترکیه که توسط رئیس‌جمهور رجب طیب اردوخان ایجاد گشته بود و تقویت اقتصاد کشورش را به شدت نظارت می‌نمود، بر اساس سه پایه - دموکراسی، رشد اقتصادی و اسلام معتدل بنا - و بسیاری از عرب‌ها در سال ۲۰۱۱ از آن الهام گرفته بودند. اما تحولات رخ داده از آن زمان، از جمله مداخله ترکیه در سوریه و سرکوب شدید داخلی در پی کودتا این مدل را بی‌رنگ و موجب جایگزینی مدلی مدنی و دموکراتیک گشته است.

- رکود اداری و هرج و مرج سیاسی و اقتصادی که در پی موج اول بهار عربی در بسیاری از کشورها حادث گشت، توده های عرب را محتاط تر نموده و از هیجان آنان کاست. برخی، اولویت های امنیت و ثبات را به اصلاحات رادیکال ترجیح می دهند، به دنبال آن که دیده اند چگونه تغییر در کشورهای دیگر به منظور مقابله با انقلاب ها اعمال شده و اعمال دیکتاتوری را به زور تحمیل می کنند.
 - با این که جنبش های اعتراضی کنونی مردم در حال حاضر هیچ نمونه مطلوبی ندارند، بخوبی سازمان یافته، منظم و سیاسی هستند. معترضان در الجزایر بارها بر دو نکته تأکید کرده اند: اول این که هرگز اجازه نخواهند داد که تجربیات سوریه یا لیبیا تکرار شود و هیچ دعوتی به مبارزه مسلحانه یا تلاشی برای نفوذ توسط ایدئولوگ های سخت را تحمل نخواهند کرد. ثانیاً، هرگونه تقسیمات قومی و نژادی را رد کرده و حداقل تا کنون، به وحدت ملی تعهد دارند. استقلال کامل آنها در عمل و مقاومت آنها در برابر دخالت غرب یا عرب، ادعاهای ساخته شده توسط نظریه پردازان توطئه را رد می کند.
 - به نظر می رسد که دولت ها چیزی از موج اول آموخته و به طور کلی به آخرین تظاهرات مسالمت آمیز پاسخ داده اند. نیروهای امنیتی - به استثنای غزه - در استفاده از خشونت نسبتاً محدود بوده و برخی از سهل گیری ها را پذیرفته اند. رئیس جمهور بشیر در سودان وعده داده است که قانون اساسی را چنان که اعلان کرده بود تغییر ندهد، و شماری از پرسنل سطح بالا را تغییر داده است. در الجزایر، پرزیدنت بوتفلیکا یا گروه حاکمه ای که از وی به عنوان نماد استفاده می کند، برنامه هائی را که برای پنجمین دوره داشته است رها نمود، انتخابات را لغو کرد، مذاکره های ملی و کمیسیون های انتخاباتی مستقل را وعده داد و دولت را سلب نمود. با ادامه اعتراضات، می توان انتظارات بیشتری داشت.
- همچنین قابل توجه است که در موج فعلی تظاهرات، نگرانی های داخلی در مورد شرایط زندگی و اصلاحات با نگرانی های گسترده تر ملی و عربی همراه است. عوامل متعددی در این امر دخیل بوده اند: اعمال تهاجم امریکا و اسرائیل علیه اعراب و مسلمانان، بی توجهی به تلاش هائی که برای فروکش نزاع های فرقه ئی در منطقه صورت می گیرند و از بهبود تدریجی سوریه و عراق گرفته تا معامله قرن ترمپ که "راه را برای اعمال حاکمیت اسرائیل بر کرانه غربی و ارتفاعات گولان باز می نماید. گفته می شود که در الجزایر، تظاهرکنندگان به طور مرتب پرچم های الجزایر و فلسطین را کنار هم قرار داده اند.
- در این رابطه باید یک کلمه در مورد جنبش اعتراضی اردن گفته شود که در مقایسه کوچکتر از الجزایر یا سودان بود، اما با این وجود دولت را به پائین کشید و تغییر قابل ملاحظه ای در رویکرد مقامات به درخواست های معترضان در مورد مبارزه با فساد و اصلاحات سیاسی ایجاد کرد. مهمتر از همه این است که اعتراضات مزبور مقامات را از مشارکت در "معامله قرن" باز داشتند و آگاهی عمومی را نسبت به تهدیدی که اردن را با آن مواجه می ساخت حساس نمودند، تهدیدی که برای اردن از این جهت بود که این کشور را به یک سرزمین جایگزین برای فلسطینی ها تبدیل و قیمومیت هاشمیان را نسبت به اماکن مقدس در اورشلیم نفی می نمود.
- ما شاهد افزایش جنبش های صلح آمیز، منظم و دارای آگاهی سیاسی هستیم که می توانند تبدیل به پیشگامان و نمونه هائی برای تغییرات جامع در سراسر منطقه گردند. الجزایر در این رابطه نمونه است. اگر جنبش مردمی در آنجا همچنان ادامه یابد، می تواند از گسستگی تمام قیام های گذشته و انقلاب های قبلی جلوگیری و تغییراتی را محقق سازد

که منجر به تقویت همزیستی و اتحاد ملی در کشور گشته و آن را با ظرفیت گسترده و میراث انقلابی افتخارآمیز تقویت نماید.

برگرفته از رأی الیوم – ۲۳ مارچ ۲۰۱۹

[/https://bit.ly/2WejdiW](https://bit.ly/2WejdiW)

* - عبدالباری عطوان متولد غزه از ۱۹۷۹ مقیم لندن بوده، از ۱۹۸۹ ناشر القدس العربی بود که در لندن منتشر می گشت. پس از آن که القدس را عربستان سعودی می خرد عطوان برای حفظ استقلال خود در جهت گیری روزنامه نگاری همکاری با القدس را رها کرده با گروهی الرای الیوم را تأسیس می نماید.